

متن سوره قیامت با ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه و مهربانی اش همیشگی است

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿١﴾

به روز قیامت سوگند می خورم، (۱)

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾

و به نفس سرزنش گر قسم می خورم. (۲)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ ﴿٣﴾

آیا انسان گمان می کند که ما هرگز استخوان هایش را جمع نخواهیم کرد؟ (۳)

بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾

چرا در حالی که تواناییم که [خطوط] سر انگشتانش را درست و نیکو بازسازی کنیم، (۴)

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾

[نه اینکه به گمان او قیامتی در کار نباشد] بلکه انسان می خواهد [با دست و پا زدن در شک و تردید] فرارویش را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده ای قوی است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!] (۵)

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾

[با حالتی آمیخته با تردید] می پرسد: روز قیامت چه وقت است؟ (٦)

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ﴿٧﴾

پس هنگامی [است] که چشم [از سختی و هولناکی آن] خیره شود، (٧)

وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾

و ماه تاریک و بی نور گردد، (٨)

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾

و خورشید و ماه به هم جمع شوند. (٩)

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُغُ ﴿١٠﴾

آن روز انسان گوید: گریزگاه کجاست؟ (١٠)

كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾

این چنین نیست، هرگز پناهگاهی وجود ندارد. (١١)

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾

آن روز قرارگاه [نهایی] فقط به سوی پروردگار توست. (١٢)

يُنَبِّأُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾

آن روز است که انسان را به اعمالی که از دیرباز یا پس از آن انجام داده، آگاه می‌کند. (۱۳)

بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾

بلکه انسان خود به وضع خویش بیناست. (۱۴)

وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿١٥﴾

و هر چند [برای توجیه گناهانش] بهانه‌ها بتراشد (۱۵)

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَٰ بِهِ ﴿١٦﴾

[پیش از پایان یافتن وحی به وسیله جبرئیل] زبانت را به حرکت در نیاور تا در خواندن آن شتاب ورزی. (۱۶)

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿١٧﴾

بی تردید گردآوردن و [به هم پیوند دادن آیات که بر تو وحی می‌شود و چگونگی] قرائتش بر عهده ماست، (۱۷)

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿١٨﴾

پس هنگامی که آن را [به طور کامل] خواندیم، [به همان صورت] خواندنش را دنبال کن. (۱۸)

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

سپس توضیح و بیانش نیز بر عهده ماست. (۱۹)

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾

[اینکه می پندارید قیامتی در کار نیست] این چنین نیست، بلکه شما عاشق این دنیای زودگذر هستید، (۲۰)

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾

و همواره آخرت را [برای این عشق بی پایه] رها می کنید. (۲۱)

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ ﴿٢٢﴾

در آن روز چهره هایی شاداب است؛ (۲۲)

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾

[با دیده دل] به پروردگارش نظر می کند (۲۳)

وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿٢٤﴾

و چهره هایی عبوس و درهم کشیده است؛ (۲۴)

تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿٢٥﴾

چون یقین دارند که در معرض عذابی کمر شکن قرار خواهند گرفت. (٢٥)

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾

این چنین نیست [که می پندارد]، هنگامی که جان به گلوگاه رسد، (٢٦)

وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿٢٧﴾

و [کسان بیمار] گویند: درمان کننده این بیمار کیست؟ (٢٧)

وَوَظَنَّا أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٢٨﴾

و [بیمار] یقین می کند [که با رسیدن جان به گلوگاه] زمان جدایی [از دنیا، ثروت، زن و فرزند] فرا رسیده است! (٢٨)

وَأَتَقَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿٢٩﴾

و [از سختی جان کندن] ساق به ساق به هم پیچد؛ (٢٩)

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾

آن روز، روز سوق و مسیر به سوی پروردگار توست. (٣٠)

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّى ﴿٣١﴾

[در آن حال فرشتگان می گویند: این به کام مرگ افتاده] نه [دعوت پیامبر را] باور کرد، و نه نماز خواند؛ (۳۱)

وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿٣٢﴾

بلکه [در میان اجتماعات] تکذیب کرد و روی گرداند؛ (۳۲)

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى ﴿٣٣﴾

سپس متکبرانه و خرامان به سوی کسانش رفت. (۳۳)

أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿٣٤﴾

[و گویند: با این وضعی که داری، عذاب دوزخ] برای تو شایسته تر است، شایسته تر! (۳۴)

ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ ﴿٣٥﴾

باز هم شایسته تر است شایسته تر. (۳۵)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾

آیا انسان گمان می کند بیهوده و مهمل [و بدون تکلیف و مسؤلیت] رها می شود؟! (۳۶)

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيِّ يُمْنَىٰ ﴿٣٧﴾

آیا نطفه ای از منی که در رحم ریخته می شود نبود؟ (۳۷)

ثُمَّ كَانَ عَاقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾

سپس علقه شد و خدا او را آفرید و اندامش را درست و نیکو ساخت، (۳۸)

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٣٩﴾

و از او دو زوج به وجود آورد یکی نر و دیگر ماده، (۳۹)

أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

آیا چنین نیرومند آگاهی توانا نیست که مردگان را زنده کند؟ (۴۰)

صدق الله العلي العظيم

راست گفت خدای بزرگ و بلند رتبه